



Must

اما می تواند با معنای آینده هم به کار رود. هست و فقط در زمان حال وجود دارد modal فعل Must
بیشتر برای چیزهای جزئی و دستورات و تصمیمات فردی کاربرد دارد Must

مثال :

You **must be on time** tomorrow because there's a test

فردا باید سر وقت باشی چون امتحان هست.

You **must remember** to call Emily. It's her birthday

حتما یادت باشه که به امیلی زنگ بزنی. تولدشه.

Must not

از **must not** وقتی استفاده می‌کنیم که بخواهیم بگوییم یک چیزی ممنوع و قدغن است.
مثال:

.You **must not** park here

نباید اینجا پارک کنی.

.You **must not** drive along this street

اجازه نداری که تو این خیابون رانندگی کنی.

به جای **must not** می‌توان از **t'can not = can** و **not allowed to** استفاده کرد.

.You **must not / can't / 're not allowed to** park here



Have to, Must

از **have to** و **must** برای پیشنهاد های خیلی قوی و اجباری استفاده می شود.
مثلا وقتی بخوای به کسی بگی که یک چیزی رو تجربه کنه یا حتما یک کاری رو انجام بده چون خیلی خوبه.
مثال:

I love the Louvre! You **have to** go when you're in Paris

من عاشق موزه لوور هستم! وقتی پاریس رفتی حتما باید بری ببینیش.

You **must** see this movie. It's amazing

باید این فیلم رو ببینی. شگفت انگیزه. (خیلی خوبه.)

تفاوت **have to** و **must**

افعال **must** و **have to** هر دو برای صحبت کردن در مورد اجبار و التزام استفاده میشن و اغلب معنای مشابهی دارن. غالباً از **must** در مورد نظرات شخصی (زمانیکه اجبار از ناحیه خودمون باشه) استفاده میکنیم. در حالیکه **have to** اجباری هست که از طرف عوامل دیگه غیر از خودمون (مثل قانون) برای ما به وجود میاد. برای درک بهتر این تعاریف به مثال های زیر توجه کنین:

You **must** study English every day.

شما باید هر روز انگلیسی بخونین (به عنوان مثال برای اینکه پیشرفت کنین).

You **have to** study English every day.

شما باید (مجبورید) هر روز انگلیسی بخونین (چونکه معلمتون میگه، یا چونکه باید امتحان زبان بدید).

I **must** remember to get a present for Sarah.

فرق بین **have to** و **must** در شکل آنها نیست

این دو فعل هر دو اجبار را بیان می کنند . ولی هرکدام موارد استعمال مخصوص بخود دارند . **must** اجباری را بیان میکند که از طرف گوینده تحمیل میشود یعنی گوینده بر حسب میل و اراده خود شنونده را وادار میکند عملی انجام دهند. اما **have to** یک اجبار خارجی را بیان میکند در اینجا میل و اراده گوینده هیچگونه دخلتی در جریان عمل ندارند .

You must clean your own boots

شما بایستی کفشهای خودتان را پاک کنید

گوینده خبر ملاحظه که هست به شنونده دستور میدهد که کفشهایش را پاک کند

you will have to clean your own boots. When you join army.

وقتی که داخل ارتش میشوید بایستی کفشهای خودتان را تمیز بکنید

گوینده دستوری نمیدهد بلکه این دستور کل ارتش با قاعده و مرسوم ارتش است.

Mr.pitt has to work very hard

علل و دلایلی هست که آقای پیت را وادار میکند خیلی زیاد کار بکند . اوضاع چنین عملی را باید تحمیل کند

He must stay overnight

گوینده اصرار میکند که او بماند

He has to stay overnight

او مجبور است که شب را بماند

اگر گوینده با اجباری که تحمیل میشود موافق باشد ممکن است **must** را به کار ببرد . مانند

Children must their parenrts

بچه ها باید از والدین خود اطاعت کنند

هر بچه بایستی از پدر و مادر خود اطاعت کند . چگونه گوینده هم این عمل را منطقی میداند و با ان موافق است

Children have to obey their parents

گوینده رسم و اصولی را که بالاجبار بایستی رعایت شود بیان میکند و معلوم نیست که او با این عمل موافق است یا مخالف .

برای اول شخص به کار بردن **must** یا **have to** چندان فرقی نمیکند چون :

I must go

من میخوام بروم

I want to go می گفت والا هست و کار هست

بنابر این برای اول شخص **must** و **have to** را میشود به طور یکسان برای بیان اجبار به کار برد. ولی معمولاً **have to** را برای عادت و **must** را برای

اجبار مهم و فوری به کار میبرند.

I have to be at my office at nine everyday

من مجبورم هر روز ساعت 9 در اداره باشم

We have to water this cactus twice a month

ما مجبوریم که این کاکتوس را ماهی دو مرتبه آب بدهیم

Must

گرامر

Should

Have to